

ایران یارگرمی آقای امیرابراهیمی

امیرفیض- حقوقدان

با درود،

نامه مورخ سوم سپتامبر حضرتعالی را خواندم نخست متاسفم که شما بواسطه تقلیل شناسنامه مبارزاتی خودتان؛ آزرده شده اید، شما خودتان سال ۲۰۰۰ را اعلام کرده بودید و توضیح هم داده شده بود >که از آن سال تمام کوششم براین بود که بنوعی تنها امید ایران یعنی شاهزاده رضا پهلوی را از مواضع اشتباه خودش بگونه ای آگاه سازم.<

خوب بنده هم از آن عبارت و تاریخ، استنباط شروع مبارزه کردم، البته اگر سال ۱۹۸۲ را می نوشتید بنده چنین جنایتی! نمی کردم و اساسا چه مهم است که کارنامه مباره ما چند ساله باشد وقتی هرکدام ما ویا همه ما هیچ قدم مثبتی برای نجات ایران برنداشته ایم امیتازی نیست برای مدت مبارزه کسی.

هرکه بارش بیشتر مسئولیتی بیشتر است؛ ما که بیش از سی سال وقت خوانندگان و نوشتن را تلف کرده ایم و هیچ دستاوردی نداشته ایم متهم و مسئولیم و دراین ردیف شاید متهم اول خود بنده باشم.

◀ گله از عدم تماس کرده اید؛ شما که نوشته اید بنده مسائل حقوقی خشک و بسیار دگم مطرح میکنم که سرکار چیزی دریافت نمیکنید و اینطور هم فکر میکنید که دیگران هم چیزی درک نمیکنند؛ و بخشی از آنرا هم به حساب کهولت بنده میگذارید، تماس چه لزومی دارد؛ بسیاری از ایران یاران از سالهای سنگر در تماس مدام و تجانس فکری باهم هستیم؛ چه لزومی دارد کسانی که درک نوشته های مرا نمیکنند مزاحم همدیکر شویم شما نامه مرا با خنده مرغ پخته ارزبابی میکنید ایا ضرورتی دارد که بجای مرغ پخته قرار بگیریید؟

هرکه تالیفی بهر عنوان کند ذوق خود را در ترازو مینهد

در ترازوی قبول مشتری بیگمان شاهین گهی سرمیزند

هیچکس نمیتواند چیزی بنویسد ویا بگوید که مقبول همه باشد.

◀ آقای «غلامعلی» امیرابراهیمی در تبدیل لوایح و طرح موضوعات، معمولا یک یاچند بند نامه موضوع اصلی است که موضوعات فرعی، حواشی موضوع را تشکیل میدهد و در مثال مانند سفره خوراک است که در کنار خوراک اصلی مخلفاتی از قبیل سالاد و نان و پنیر و غیره هم گذاشته میشود.

در تبدیل لوایح شرط واصل، توجه و پاسخ به مسائل اصلی است نه فرعی.

حضرتعالی به مسائل اصلی در نامه اینجانب هیچ اعتنائی نکرده اید؛ اصرار هم نیست زیرا شیوه کار در تبدیل لوایح این است که بی پاسخ گذاشتن مسائل اصلی تائید موضوع تلقی میگردد.

◀ همانطور که آگاهید و در نامه تقدیمی هم اشاره روشن شده است؛ در پایان نامه هشدار این حکم صادر شده که چنانچه شاهزاده از اتهامات در آن نامه برائت حاصل نکند دشمن وجودی ایران شناخته میشود.

از آنجا که اظهارتاسف کرده بودید که نامه هشدار را امضا نکرده اید، پرسش شده بود که آیا از اینکه شانس نداشته اید که شاهزاده! را دشمن وجودی ایران بدانید باز هم متاسف هستید؟

با طرح پرسش مزبور خواستم مودبانه توجه سرکار را به حکم پایان نامه هشدار جلب کنم زیرا فکر کردم ممکن است نامه هشدار را تا پایان و بادقت لازم نخوانده باشید.

تصور نمیکنم که سوال مطروحه بالا، پیچ و خمی داشته باشد و یا مسئله ای <حقوقی خشک و بسیار دگم باشد> آنهم برای کسی که از سال ۱۹۸۲ مبارزه سیاسی میکند!! بهرحال به مصداق <اینکه جوابی نگرفتم خود جوابی است> به اعتبار معمول نظام تبدیل لوایح، جواب لازم را در معنای بی اعتنائی دریافت داشتم.

◀ در پایان نامه به قصد استفاده ازدانش مبارزه سیاسی چند سوال که میتوانست راهنمای شناخت بیشتر شما وزمینه تقویت فلسفه مبارزه مشترکمان باشد مطرح شد که متاسفانه به هیچیک جوابی ندادید.

بزرگترین گام سیاسی رفع ابهامات فلسفی مبارزه رسیدن به پاسخ های منطقی در جدال سیاسی و فلسفی است که شما یا آمادگی پاسخ نداشتید و یا به اهمیت آن واقف نیستید، یکی از آن سوالات این بود که <مبنای اعتقاد شما به اینکه شاهزاده! مقام و تعهدی به ایران دارند چیست> سوال دیگر این بود که <مقامی که شما برای شاهزاده! قائل هستید و به آن اشاره کرده اید چیست و مستند آن کدام نص و قانون است> و امثال آنها مجموعاً ۵ یا ۶ سوال بود.

سوالات مزبور مبتلابه مبارزه سلطنت طلبان است و واقعاً کسی به این سوال پاسخ نداده که چرا شخص شاهزاده رضا پهلوی! مکلف و متعهد به نجات ایران است، و مبنای این توقع از ایشان کدام نص و یا قرارداد و امثال آنهاست.

آیا این سوالی است که شما قهر کنید؟ مگر قرار نیست که کمبود های فکری و برداشت های نظری از طریق گفتگو و تحریر و تقریر حل و تامین شود؟

مگر کسی که ۳۰ سال مبارزه کرده است! <سنگ زیرین آسیا باشد> و قهر نکند.

برخورد سرکار با لایحه اینجانب نه اینکه دوستانه و معمول گفتمان های سیاسی نباشد بلکه با جبهه گیری و سوء نیت شکل گرفته بود و هر موضوعی را در آن نامه از دریچه بی اعتمادی و وسواس و بدبنی نگاه کرده اید، آب گنبد و گودال را به خودتان گرفته اید در صورتی که کسیکه سی سال مبارزه میکند رودخانه است و آب گنبد دو روزه در گودال خشک میشود، و چنان برداشت کردید که قضیه بشود شامل <صاحب فحش خودش را معرفی کرد>.

◀ اظهار بی حوصلگی کرده اید؛ همه ما کم و بیش بی حوصله شده ایم ولی چرا بی حوصلگی خودتان را بپای ماهیت نوشته ای بنده و دیگران میگذارید؟ هیچ کس ملزم نیست که نوشته های دیگران را بخواند و چنین توقعی نیز هیچ تقریر کننده ای از کسی نمیتواند داشته باشد.

بنده لایحه ارسالی را برای خواندن و استفاده شما، نوشتم؛ بلکه برای کمک به دانستی های خودم نوشتم که از شما سوالاتی کردم که مورد تائید در نامه شما بود. میدانید در عرف و اخلاق سوال واجب نیست ولی جواب آن واجب است.

اکنون هم بازایستاده ام و پاسخ سوالاتم را خواستارم؛ غیظ هم میکنید اشکالی ندارد همه فرزندان گهگاه نسبت به پدرانشان مرتکب اشتباه و غیظ و قهر میشوند ولی پدران همچنان در جهت هدایت فرزندانشان میکوشند من شاید از نظر سنی پدر سلطنت طلبان شناخته شوم.

پدر را منتظر نگذارید و به سوالات مطروحه جواب بفرمائید. در حالت قهر هم جواب بفرمائید متشکرم.

متاسفم که، آنچه برای شما در آن نامه مهم بود همان تاریخ شروع مبارزه بود، ولی این راهنمایی را مدیون شما هستم که برخی از سوالاتی که شما نخواستید وارد آن بشوید و به معاذیر آشنای موارد مشابه تمسک جستید در تحریر قسمت هفتم (اصول، مفقود، ادعا موجود) که در جریان تنظیم است پاسخ داده شده است.
 با احترام امیرفیض